

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

اشرف دهقانی

۰۴ جولای ۲۰۱۹

## ویکی پدیا و رفیق بهروز دهقانی

شماره ۲۳۹



دوستی در رابطه با صحت و سقم مطلبی که در ویکی پدیا در مورد رفیق بهروز دهقانی نوشته شده، پرسیده است. پاسخ را با اشاره به این امر شروع می کنم که اساساً مطالب درج شده در ویکی پدیا از اعتبار لازم برخوردار نیستند. در مواردی حتی اطلاعات نادرست در اختیار خواننده قرار داده می شود و یا بسته به تمایلات و موضع سیاسی افرادی که این حق و امتیاز را پیدا می کنند تا مطلبی در آن جا درج کنند، ممکن است راست و دروغ، واقعیت و غیر واقعیت با هم در آمیخته شده و ملغمه ای از این نوع ارائه شود. این امر در مورد مطلب درج شده در مورد رفیق بهروز دهقانی در ویکی پدیا نیز صادق است.

اگر از همه آن چه در رابطه با رفیق بهروز دهقانی در ویکی پدیا آمده، بگذریم و تنها به قسمت "دستگیری و مرگ" توجه کنیم خواهیم دید که مطلب، از موضع کاملاً ضد مردمی در طرفداری از دستگاه های سرکوب و به طور مشخص

از دستگاه امنیتی رژیم شاه، ساواک تنظیم گشته و سعی شده است که به اصطلاح "موفقیت" آن ها در دستگیری و کشتار انقلابیون به رخ مردم کشیده شود.

۱- با این که در بالای صفحه نوشته شده "بهر روز دهقانی، ویکی پدیا دانشنامه آزاد" و در نتیجه موضوع بر سر رفیق بهروز دهقانی است و طبیعتاً انتظار آن است که مطلب ویکی پدیا در مورد او نوشته شده باشد، ولی می بینیم که بی هیچ دلیلی موضوعاتی در رابطه با اشرف دهقانی مطرح شده اند.

۲- در رابطه با یکی از عملیات نظامی چریکهای فدائی خلق علیه رژیم شاه، عنوان شده است که: "گروه خود را برای سرقت از بانکی واقع در خیابان آیزنهاور آماده کرد." - توجه شود که در این جا از مصادره انقلابی در جهت تأمین مخارج فعالیت های انقلابی علیه رژیم شاه، به عنوان "سرقت" نام برده شده است؛ و البته از موفقیت چریکها هم در این مورد سخنی گفته نشده است. در حالی که در روز مورد نظر ویکی پدیا، مبلغ شش صد هزار تومان که در آن زمان پول هنگفتی بود توسط چریکها از بانک ملی شعبه آیزنهاور مصادره شد که نه تنها برای پیشبرد مبارزه انقلابیون علیه رژیم شاه یک پیروزی محسوب می شد، بلکه نفس انجام این عملیات موفقیت آمیز یک شکست برای دستگاه های سرکوب شاه که می کوشیدند این رژیم را آسیب ناپذیر و قدر قدرت نشان دهند، بود. همان طور که آن عملیات به همین اعتبار، موفقیتی برای فرزندان راستین مردم ایران بود.

۳- در ادامه مطلب، اما گفته شده است که اشرف دهقانی قرار بود در همان روز برای تهیه گزارش از عکس العمل مردم در حوالی بانک حضور یابد ولی گویا به جای این کار "به دلایل نامعلومی او در ساعات نخستین روز به خیابان ۲۱ آذر رفت."

۴- هیچ یک از مطالب فوق ربطی به موضوع "دستگیری و مرگ" رفیق بهروز دهقانی که ظاهراً موضوع بحث ویکی پدیاست ندارد.

۵- با این که دلیل این امر که چرا اشرف دهقانی "در ساعات نخستین روز به خیابان ۲۱ آذر رفت"، قبلاً توسط خود اشرف دهقانی توضیح داده شده است و اطلاعات مربوط به این موضوع برای نویسنده یا نویسندگان مطلب ویکی پدیا قابل دسترسی بود، ولی در ویکی پدیا نوشته شده است که او "به دلایل نامعلومی" به جای رفتن به جلوی بانک، "به خیابان ۲۱ آذر رفت."

برای یادآوری به خواننده، بی مناسبت نیست باز گفته شود که او و برادرش بهروز دهقانی آن روزها در حال شناسائی یکی از دست اندر کاران سرکوب رژیم بودند. به همین دلیل هر دوی آن ها در همان روز که قرار بود بانک ملی شعبه آیزنهاور توسط رفقاییشان مصادره شود، برای انجام مأموریت انقلابی خود، در اطراف دانشگاه حضور داشتند. در این مورد در کتاب حماسه مقاومت در قسمت "دستگیری، شکنجه بازجویی" آمده است: "صبح روز ۲۳ اردیبهشت ماه ۵۰ به منظور ادامه کار شناسائی یک مزدور با رفیق بهروز دهقانی از خانه بیرون آمدیم. محل مأموریت ما خیابان های آنتول فرانس و ۲۱ آذر بود. من در خیابان ۲۱ آذر ایستاده و برای انجام مأموریت خود ماشین ها را زیر نظر گرفته بودم..." در این جا فقط اضافه می کنم که مهره مورد نظر، علی نقی عالیخانی نام داشت که با تأسیس ساواک در سال ۱۳۳۶ به استخدام این ارگان سرکوب در آمد. او در سال ۱۳۵۰ رئیس دانشگاه تهران بود و در سرکوب مبارزات دانشجویی و بگیر و ببند دانشجویان مبارز، ید طولائی داشت.

۶- اشرف دهقانی می بایست بعد از انجام کار شناسائی ماشین آن مزدور خدمت گزار ساواک و سرکوبگر دانشجویان مبارز، در ساعت مقرر شده برای انجام وظیفه انقلابی دیگرش به جلوی بانک ملی شعبه آیزنهاور برود. بنابراین سخن درج شده در ویکی پدیا که "در این روز مقرر بود که [اشرف دهقانی](#) در حوالی بانک حضور یابد تا از

عکس‌العمل مردم گزارشی تهیه کند ولی به دلایل نامعلومی او در ساعات نخستین روز به خیابان ۲۱ آذر رفت. " که این طور القاء می کند که گوئی اشرف از انجام وظیفه اش برای حضور در "حوالی بانک"، شانه خالی کرده، کاملاً مغرضانه می باشد.

۷- "موفق" شدن ساواک (به زعم ویکی پدیا) در دستگیری اشرف دهقانی - قبل از انجام وظیفه انقلابی دوش - که البته با توجه به مقاومت او به هنگام دستگیری، برای آن ها گران تمام شد، مرهون همکاری فردی از نزدیکان اشرف با مزدوران ساواک بود که از حضور او در جلوی دانشگاه با خبر شده و به آن ها اطلاع داده بود. در این جا البته پرسیدنی است که اگر مطلب در مورد رفیق بهروز دهقانی است به چه دلیل از "موفق" شدن ساواک در دستگیری اشرف دهقانی صحبت شده است؟

۸- همان طور که ملاحظه می شود هیچ یک از مسایل مطرح شده در فوق ربطی به موضوعی که ویکی پدیا بر اساس تیتیر خود (بهروز دهقانی) می بایست به آن می پرداخت ندارند. اما لازم به توضیح است که موضوعات شرح داده شده در فوق این واقعیت را برای نسل های جوان آشکار می سازند که کمونیست های فدائی به راستی با کمترین امکانات و با دستانی خالی - اما با ایمانی قاطع به درستی راهی که انتخاب کرده بودند - به جنگ هیولائی رفتند که در کالبد رژیم دیکتاتور شاه، فقر و مصیبت و بدبختی را به اکثریت مردم ایران تحمیل کرده و کارش سرکوب و ریختن خون هر نیروی مبارز بود. با این حال چریک های فدائی ای چون بهروز دهقانی اگر چه رنج ها و مشقت های زیادی را متحمل شدند و یا به وحشیانه ترین وجهی شکنجه شدند و حتی جانیشان را هم در راه رهایی کارگران و زحمتکشانشان نثار کردند ولی بالاخره توانستند یک جنبش عظیم توده ای را به صحنه آورده و کار را به سرنگونی آن رژیم منفور وابسته به امپریالیسم بکشانند.

۹- در ادامه مطلب، آن جا هم که مستقیماً به دستگیری رفیق بهروز دهقانی پرداخته شده، در حالی که به درگیری مسلحانه شجاعانه رفیق بهروز با مزدوران مسلح دشمن که منجر به زخمی شدن یکی از آن ها نیز گردید، اشاره ای هم نمی شود، از به اصطلاح قدرت ساواک صحبت می شود که گویا با "طعمه قراردادن نزهت‌السادات روحی" توانست بهروز دهقانی را دستگیر نماید، و این هم گویا ناشی از "واقع بینی" ساواکی ها بوده است.

۱۰- ویکی پدیا برای درج مطلب خود در مورد "دستگیری و مرگ" بهروز دهقانی، سه منبع ذکر کرده که با شماره های "پانویس" ۲، ۸ و ۹ آن ها را مشخص کرده است. اما در واقع همه مطلب در مورد "دستگیری و مرگ" بهروز دهقانی را عیناً از مقاله شماره ۸ کپی برداری کرده است - البته به جز یک سطر مبنی بر این که: "بهروز دهقانی پس از دستگیری توسط ساواک، بر اثر شکنجه و آسیب های وارده به کلیه هایش در زندان کشته شد." این یک جمله را هم از مقاله شماره ۲ با تغییر لحن و انشای آن قید کرده است. در این مورد در شماره ۹ هم مطرح شده: بهروز دهقانی "زیر شکنجه کشته می شود". به واقع، همه مطلب مغرضانه و ضد مردمی درج شده در ویکی پدیا در مورد زندگی و مرگ بهروز دهقانی از مقاله شماره ۸ که اتفاقاً به منظور معرفی بهروز دهقانی هم نوشته نشده و پاراگرافی در وسط آن نوشته می باشد، کپی برداری شده است. (حالا نویسنده ویکی پدیا چرا به جای منابع دیگر به معرفی چنین مقاله ای پرداخته است خود جای تأمل دارد) نویسنده مقاله شماره ۸ برای گول زدن خواننده، برای نام مقاله اش قطعه ای از ادبیات انقلابی دهه پنجاه را مورد استفاده قرار داده: "تفنگم را بده تا ره بیوم/ مروری گذرا بر زندگی و مبارزات امیر پرویز یویان". همچنین باید گفت که نام مقاله شماره ۲، "فرزندان راستین خلق، مختصری از زندگی چریک فدائی خلق، رفیق بهروز دهقانی (۱۳۱۸ تا ۹ خرداد ۱۳۵۰)" و نام مقاله شماره ۹ "زندگی دوشادوش مرگ روایتی از جنبش چریکی حلقه تبریز" می باشد.

۱۱- در مطلب کپی شده از منبع شماره ۸ توسط ویکی پدیا، دیده می شود که نویسنده مطلب سعی کرده است که تحریفات خود در مورد چگونگی دستگیری رفیق بهروز را به خواننده بی اطلاع یا کم اطلاع حقه کند. در آن مطلب، از این که گویا "تحلیل ساواک کاملاً واقع‌بینانه بود"، و بر اساس آن تحلیل گویا "کاملاً واقع‌بینانه"، ساواک "موفق" به دستگیری بهروز شده، داد سخن رفته است. اما، اتفاقاً رفیق بهروز توسط نیرو های شهربانی دستگیر شد و نه ساواک که در سال ۱۳۵۰ به طور جدا از هم به سرکوب توده ها و روشنفکران مبارز می پرداختند.

۱۲- در مطلب کپی شده در ویکی پدیا، نویسنده دست به افسانه سازی زده و مطرح کرده است که گویا ساواک با تکیه بر دوستی اشرف دهقانی با "نزهت‌السادات روحی آهنگران" که از دوران سپاه دانش آغاز شده بود"، این احتمال برایش مطرح شده است: "که ممکن است پس از دستگیری اشرف دهقانی، برادر او بهروز با نزهت‌السادات روحی تماس بگیرد" و گویا به این خاطر به سراغ نزهت رفته است. در حالی که واقعیت غیر از این است و این سخن نمونه ای از افسانه سازی مغرضانه نویسنده آن مطلب به نفع ارگان سرکوب رژیم شاه و علیه چریکهای فدائی خلق می باشد.

۱۳- همه می دانند که ساواک و شهربانی از همان آغاز با زخم هائی که از چریکهای فدائی خلق دریافت کرده بودند، نه از روی نقشه خاص و برخورد "واقع بینانه" بلکه در وحشت از گسترش مبارزه مسلحانه در جامعه، حتی به سراغ دورترین دوستان یک چریک نیز می رفتند، تلفن های آن ها را کنترل می کردند و یا مستقیماً آن ها را دستگیر و روانه زندان های خود می کردند تا به خیال خود بتوانند مبارزه مسلحانه انقلابی تازه آغاز شده را در نطفه خفه سازند. مثلاً در همان اوایل سال پنجاه، مزدوران ساواک و شهربانی بسیاری از دوستان و آشنایان بهروز دهقانی، صمد بهرنگی و کاظم سعادت را دستگیر کردند. در آن دوران، این ارگان های سرکوب، درست همچون یک خرس زخم خورده عمل می کردند به گونه ای که حتی به جمع های روشنفکری با نظرات توده ای که قبلاً به حال خودشان رهاشان کرده بودند نیز یورش می بردند. یا دیدیم که حتی در مورد تشکیلات "ساکا"، علیرغم این که در رأس آن جریان سیاسی، مأموران خود ساواک حضور داشتند و آن جریان تحت کنترل ساواک، سالهای سال به "کار آرام سیاسی" خود و جذب نیرو مشغول بود، پس از به جریان افتادن مبارزه مسلحانه انقلابی در ایران، از ترس پیوستن افرادی از آن ها به جنبش مسلحانه، تمام افراد مرتبط با ساکا را یک جا دستگیر و روانه زندان کرد. بنابراین روشن است که رفتن اطلاعات شهربانی (و نه به زعم ویکی پدیا، ساواک) به سراغ رفیق نزهت روحی آهنگرانی نیز بر اساس روال کار دستگاه امنیتی شاه صورت گرفته بود و بر خلاف آن چه مطلب کپی شده در ویکی پدیا می خواهد به خواننده بقبولاند، به هیچوجه این طور نبود که ساواک و شهربانی از روی نقشه ای خاص و "تحلیل" گویا "واقع بینانه" به این نتیجه رسیده بودند که "ممکن است پس از دستگیری اشرف دهقانی، برادر او بهروز با نزهت‌السادات روحی تماس بگیرد". از کجا دستگاه امنیتی شاه می بایست به چنین نتیجه ای برسد!!؟ مغرضان جوابی به این سؤال ندارند ولی از روی آن چه واقع شده، به نفع ارگان های جنایتکاری چون دستگاه امنیتی شاه دست به تعبیر و تفسیر می زنند و تصور هم می کنند که شاهکار کرده و به کشفی دست یافته اند.

۱۴- وقتی مأموران اطلاعات شهربانی از طریق نزدیکان اشرف (از جمله همان فردی که موجب دستگیری خود اشرف شد) از دوستی نزهت و اشرف مطلع شدند، بر اساس روال کار خود به سراغ نزهت رفتند و حتی پیشاپیش به کنترل تلفن او پرداختند. ارتباط گرفتن با نزهت‌السادات روحی آهنگرانی از ماه ها پیش در بین رفقای ما مطرح بود. اشرف در سال ۱۳۴۹ نه فقط از طریق رفیق جواد سلاخی او را به عنوان یک دختر انقلابی به سازمان معرفی کرده بود بلکه ضرورت تماس گرفتن با او را خود مستقیماً با رفیق پویان به عنوان عضوی از مرکزیت سازمان مطرح کرده بود و قرار به ارتباط گرفتن با او بود. منتها این کار از طریق رفیق بهروز موقعی صورت گرفت که ساواکی ها در

خانه نزهت بودند و او را مجبور به گذاشتن قرار ملاقات با بهروز دهقانی کردند. از این رو این تلاش نویسنده مغرض نیز - که می‌کوشد از دستگاه امنیتی سرکوبگر و جنایتکار رژیم سلطنت، چهره ارگانی هشیار بسازد که گویا با تحیل‌های واقع‌بینانه، مبارزین را با "طعمه" قرار دادن کسانی به "دام" می‌انداخت - تلاشی ورشکسته است. تأمل روی لحن این سخن که: با "طعمه قرار دادن" نزهت، "بهروز دهقانی نیز... به دام ساواک افتاد"، به نوبه خود هدف ضد مردمی مطلب درج شده در مورد بهروز دهقانی در ویکی‌پدیا را بر ملا می‌سازد.

۱۵- در یک دهه پیش از این وقتی وزارت اطلاعات در صدد نوشتن به اصطلاح تاریخی از چریک‌های فدائی خلق بر آمد به سراغ افرادی که زمانی به نحوی در ارتباط با آن سروهای ایستاده بودند، رفت و آن‌ها را تشویق به نوشتن خاطرات خود نمود. چه در این دوران و چه بعد از نشر کتاب وزارت اطلاعات (چریک‌های فدائی خلق از نخستین کنش‌ها تا بهمن ۱۳۵۷)، افرادی یا برای خوش رقصی یا با انگیزه‌های ناسالم دیگر کوشیدند در تخریب سال‌های انقلابی دهه پنجاه به عنوان یک دوره درخشان از جنبش نوین کمونیستی ایران که مهر فعالیت‌های انقلابی چریک‌های فدائی خلق بر آن کوبیده شده، با هم مسابقه گذاشته و سهمی ایفاء نمایند. این‌ها اغلب در قالب تاریخ‌نویسی یا ارائه تحلیل و تعبیر و تفسیر آن دوره از جنبش نوین کمونیستی ایران تحریفات و دروغ‌های خود را با حقایق و راستی‌های آن دوران در می‌آمیزند و در حالی که نوشته‌های خود را با عنوان‌های زیبای عاریت گرفته از ادبیات انقلابی همان دوره تزئین می‌کنند و ظاهراً پز طرفداری از آن انقلابیون را هم به خود می‌گیرند، در صدد فریب خوانندگان بر آمده و نظرات و تلقی‌ات غیرواقعی خود را به خورد آنان می‌دهند.

در چنین اوضاعی، چاره‌ای نیست جز آن که خوانندگان مبارز بکوشند تا هشیار باشند و گول برخی از تعریف و تمجیدهای بی‌مقدار چنان نویسندگانی را از چریک‌ها نخرند و به یاد داشته باشند که این قبیل نویسندگان نمی‌توانند بدون ذکر برخی واقعیت‌های درخشان دهه پنجاه، امیال مغرضانه خود را پیش ببرند.

جدا از موارد فوق، همچنین جوانان ما جهت درک درست تاریخ مبارزات انقلابیون مسلح دهه ۵۰ حتی باید به خاطراتی که از آن زمان گاه از سوی کسانی بیان شده که در همان دوران ارتباطی با چریک‌ها داشتند نیز با دقت و با هشیاری برخورد کنند. گاهاً بر اساس گفته‌ها یا نوشته‌های غیر واقعی چنان افرادی، کسی هم دست به کار نوشتن تاریخ گونه‌ای از چریک‌های فدائی خلق می‌شود ولی چون شنیده‌ها و خوانده‌هایش با واقعیت انطباق ندارند، در نتیجه نوشته او نیز تنها نقش اشاعه مطالب غیر واقعی را پیدا کرده و فاقد ارزش می‌شود. در "زندگی دوشادوش مرگ، روایتی از جنبش چریکی حلقه تبریز" که در ویکی‌پدیا به عنوان منبع (شماره ۹) از آن یاد شده به چنین موردی بر می‌خوریم. مثلاً نمی‌توان بر اساس گفته‌های پر تناقض بهروز دولت‌آبادی که زمانی با بهروز دهقانی و صمد بهرنگی و کاظم سعادت‌دوستی داشته، و یا با بافته‌های شرم‌ناگین و دروغین فلان زندانی نادم و عفو‌نویس زندان شاه (عباد احمدزاده) به تخیلاتی راه داد که باعث شود کمونیست کبیری چون مسعود احمدزاده در زندان در سال ۱۳۵۰ با نورالدین کیانوری توده‌ای سازشکار در سال ۱۳۳۳ مقایسه گردد و... و اظهارات منفی و غیرواقعی دیگر در مورد چریک‌های فدائی خلق که در مقاله "زندگی دوشادوش مرگ، روایتی از جنبش چریکی حلقه تبریز" قید شده‌اند.

۱۶- به یاد داشته باشیم که در این جا سخن از چریک‌های فدائی خلق به عنوان "جوبندگان شادی در مجری آتش‌فشان‌ها" ست. سخن از یک دوره سرشار از مبارزه انقلابی و دوره‌ای است که فرزندان راستین خلق، آتش‌ها در زمستان سرد و تاریک ایران بر می‌افروختند، آن‌ها که با عمل به یک تئوری ظفرنمون مارکسیستی، خالق بالندگی‌های غرور آفرین برای مردم مبارز ایران شدند. این کمونیست‌های فدائی در حوزه‌های گوناگون زندگی اجتماعی از حوزه مبارزه علیه ظلم و ستم و رواج اخلاق انسانی و انقلابی در جامعه گرفته تا حوزه هنر و ادب،

بانی تحولات ارزشمند و شگفت انگیز چشمگیری بودند. آن ها به تاریخ مبارزاتی غنی مردم سلحشور ما یک برگ طلایی و جاودان افزودند و در جهت پیشرفت تاریخ گام برداشتند. در نتیجه هیچ یک از تلاش های مذموم فوق قادر به زوال احترام عمیق توده ها و به ویژه جوانان جویای آگاهی نسبت به آن فرزندان راستین خلق نیست.

۱۷- خلاصه آن که بهروز دهقانی به عنوان یک چریک فدائی خلق نیز از زمره آن فرزندان راستین خلق بود، کمونیستی که عشق به رهائی بشریت از قید هرگونه ظلم و ستم و جهل و نادانی، از او انسانی ساخته بود که عقاب وار کرکسان را مغلوب خود ساخت. اطلاعات موثق و قابل اتکاء در مورد این انسان والا را نباید از ویکی پدیا سراغ گرفت.

به نقل از : پیام فدائی ، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۲۳۹ ، خرداد ماه [جوزا] ۱۳۹۸